

نبرد

کارلوس فوننتس

مترجم

عبدالله کوثری



نسترمای

تهران

۱۳۹۷

سخن مترجم

آیا ما می‌توانیم در آن واحد همه‌ی آن چیزی باشیم که بوده‌ایم و همه‌ی چیزی که می‌خواهیم باشیم؟

از متن کتاب

این گفته‌ی فوئنتس که «آنچه را که تاریخ ناگفته می‌گذارد، رمان بازمی‌گوید»، بی‌تردید بیش از هر جای دیگر در مورد اغلب آثار خودش مصداق می‌یابد، چرا که بیش‌تر رمان‌های فوئنتس به شیوه‌های مختلف، آشکارا یا پنهانی، با تاریخ مکزیک و امریکای لاتین پیوند دارد؛ رمان‌هایی چون گرینگوی پیر، زمین ما، درخت پرتقال، پوست انداختن و حتی آثورا و بخصوص رمان نبرد.

اصولاً پرداختن به تاریخ یکی از ویژگی‌های رمان امریکای لاتین است و به گمان من این ویژگی یکی از سرچشمه‌های قدرت و جذابیت و غنای رمان این منطقه است. آثاری چون پاییز پدرسالار و ژنرال در هزارتوهایش از گارسیا مارکز، من، عالیجاه از اوگوستو روئا باستوس، قلمرو این عالم از آخو کارپانتیه، جنگ آخر زمان از ماریو بارگاس یوسا و... جملگی به نحوی با تاریخ پیوند دارند. اما هیچ‌یک از این رمان‌ها، برخلاف تصور ساده‌ای که از «رمان تاریخی» داریم، بازگویی رویدادهای تاریخ در قالب ادبی نیست. این رمان‌ها در واقع بازاندیشی تاریخ است، جست‌وجویی است برای یافتن ریشه‌های هویت انسان امریکای لاتین و نیز ریشه‌های مشکلات بی‌شمار در هستی امروزی این انسان. به عبارت دیگر، کشاندن گذشته به اکنون برای واکاوی آن و راه‌بردن به درون آن.

این تاریخ برای امریکای لاتین از زمان کشف قاره آغاز می‌شود. روبرتو

گونزالس اچه‌وریا، منتقد سرشناس ادبیات امریکای لاتین، می‌گوید:

بسیاری از تاریخ‌نگاران اولیه‌ی دنیای جدید عقیده داشتند کشف امریکا به همت کریستوف کلمب مهم‌ترین رویداد بعد از به‌صلیب‌کشیدن مسیح بوده است. می‌توانیم بگوییم کشف قاره احساس مدرن حضور در تاریخ را در مردمان این منطقه پدید آورد.^۱

پنجاه سال فعالیت فکری و هنری کارلوس فونتس بیش از هر چیز دیگر تلاش بی‌وقفه برای بیان هویت انسان امریکای لاتین و جست‌وجوی ریشه‌های این هویت بوده است. این متفکر برجسته‌ی مکزیکی می‌کوشد پیامدهای برخورد جوامع سنتی این منطقه را با فرهنگ جهانی و مدرنیته کشف کند و از این طریق دریابد که چرا ملت‌های امروزی امریکای لاتین به گفته‌ی خودش «جوامعی ناتمام» مانده‌اند و چرا آرمان‌های انسانی و پرشکوهی که در آغاز شکل‌گیری این ملت‌ها ستاره‌ی راهنمای ایشان بود، هرگز مجال تحقق نیافت و تعارضات و تضادهای درونی گوناگون از همان روزهای بعد از استقلال‌گریبانگیر این ملت‌ها شد.

رمان نبرد در جست‌وجوی این ریشه‌ها به آغاز تاریخ امریکای لاتین، یعنی انقلاب آزادی‌بخش، رجوع می‌کند. آبخخور فکری و ایدئولوژیک این انقلاب که از سال ۱۸۱۰ تا ۱۸۲۲ به درازا کشید و سرتاسر این منطقه را، از آرژانتین و شیلی تا مکزیک و ونزوئلا و پرو، درنوردید، بیش از هر چیز دیگر آرا و افکار فیلسوفان فرانسوی عصر روشنگری بود، یعنی کسانی چون روسو، ولتر و دیدرو. در عین حال، رویدادهایی چون انقلاب فرانسه، انقلاب استقلال‌طلبانه‌ی امریکای شمالی و از آن مهم‌تر پیروزی ناپلئون بر نظام مترجع سلطنت اسپانیا در پیشبرد این انقلاب و پیروزی آن تأثیری نمایان داشت.

در رمان نبرد، مسیر حرکت این انقلاب و رویدادهای مهم آن از چشم بالتاسار بوستوس، روشنفکر آرژانتینی که دلبسته و سرسپرده‌ی افکار روسو است، و در قالب نامه‌هایی که به دو دوست روشنفکرش می‌نویسد، تصویر شده است. این روایت که گاه به شرح دقیق آن رویدادها نزدیک می‌شود، توصیفی از سیر و سلوک

1. "Passion's Progress", by Roberto Gonzales Echeverria

روحي و فكري بالتاسار بوستوس نیز هست. این روشنفکر آرمانخواه که سراسر زندگی‌اش را وقف مطالعه‌ی فیلسوفان فرانسوی کرده و از معلم یسوعی خود آموخته که امریکای لاتین تاریخ و هویتی جدا از تاریخ و هویت اسپانیا دارد، برای تحقق‌بخشیدن به آن آرمان‌ها و نیز به انگیزه‌ی عشقی ناممکن و در جست‌وجوی معشوقی دسترس‌ناپذیر به امواج توفنده‌ی انقلاب می‌پیوندد و گام به گام و منزل به منزل با آن همراه می‌شود. اما دیری نگذشته به این واقعیت ناخوشایند می‌رسد که این انقلاب، با همه‌ی شور و شری که در سرتاسر قاره به پا کرده، در هیچ کجای این سرزمین وسیع تفسیر واحدی ندارد. آن آرمان‌هایی که روشنفکران بوئنوس آیرس از جان و دل ستایش می‌کنند، در دل پامپا (صحرا) و میان گاجوها تفسیری یکسره متفاوت دارد و در بلندی‌های آند سرخپوستانی که اساساً زبان اسپانیایی نمی‌دانند، از اعلامیه‌های پرشور بوئنوس آیرس چیزی در نمی‌یابند و هدفشان از پیوستن به انقلاب چیزهای دیگر است. ما چگونگی این تفاوت‌ها را در طول سفرهای بالتاسار بوستوس از زبان شخصیت‌هایی به‌راستی جذاب و اصیل می‌شنویم. باری، بدین گونه است که فکر ساختن دنیای جدید با الهام از آرمان‌های پرشکوه عصر روشنگری با موانعی بس جدی روبه‌رو می‌شود. مسئله‌ی برابری و عدالت در جامعه‌ای با تنوع فراوان نژادها و فرهنگ‌ها و سنت‌ها بدل به یکی از دغدغه‌های دیرپای متفکران امریکای لاتین تا عصر حاضر می‌شود.^۱

مغز متفکر انقلاب آزادی‌بخش و نیروی محرک اصلی آن کُرئول‌ها هستند، یعنی نژاد سفید یا همان نژادی که در اصل اسپانیایی و اروپایی است و اکنون در برابر مادر خود، اسپانیا، قد علم کرده است. سایر نژادها، یعنی سرخپوستان، سیاهان، مولاتوها، مستیزوها و... در واقع سیاهی‌لشکر و خدم و حشم این نیروی آزادی‌بخش هستند. چگونه می‌توان عدالت و برابری را در هنگامه‌ی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب و رسیدن به استقلال تحقق بخشید؟

روشنفکر جوان امریکای لاتین، غرقه در شور انقلابی و ناسیونالیسم آمیخته به رومانسیسم فرانسوی، با یقینی برخاسته از همه‌ی این‌ها می‌گوید: «ما مدرنیته‌ی

۱. به خواننده توصیه می‌کنم برای رسیدن به دریافت جامع‌تری از این مشکلات مقاله‌ی «وحشی واقعی کیست» نوشته‌ی آرل دورفن راه، که در کتاب در جست‌وجوی فردی (لوح فکر، ۱۳۹۲) آورده‌ام، مطالعه کند. م.